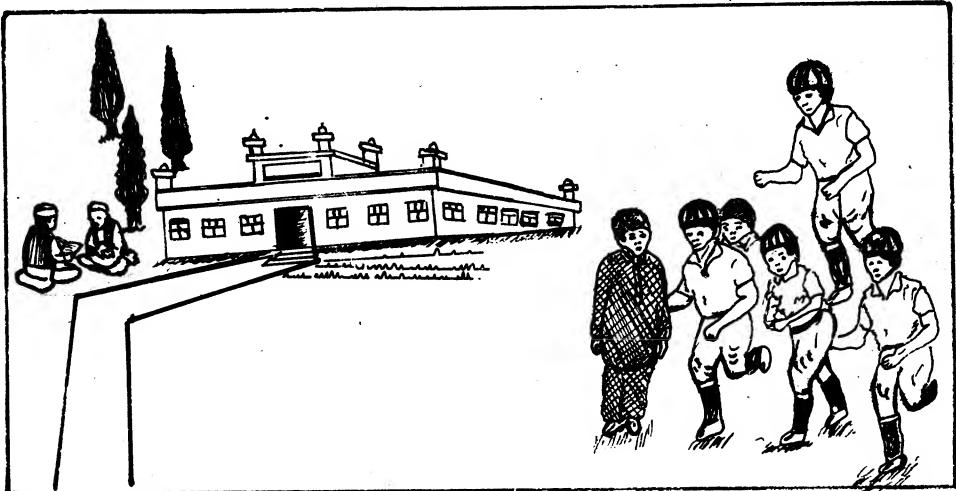


میدان توپ بازی

زنگ تقریب زده شد، بچه های مدرسه به میدان مدرسه برآمدند. شاگردان دوستان خود را یافتند، بعضی با هم مشغول گفتگو بودند، و بعضی در حل سوالات درس نواز یکدیگر حکم مینهادند.

گروهی از بچه های توپ بازی مشغول گردید. بچه های هر طرف میدویدند و خوشحال بودند. استادک و



تنها در پهلوی دیواری ایستاد بوزیر اکسی راندند
 از پچه های ناشناختن کاره بود همچ چیزی نمی گفت
 خاموش شده با خود فکر میکرد و ناگاه شریف را دید
 که از گروه پچه های بازی کنان جدا شد و بطرف او می داد و اسد
 او را شناخت که وی دوست دیرین اش شریف
 است و قیکه هردو با هم تزویک شدند، شرف
 گفت، او ه برادرم است جان السلام علیکم!

چرا دایین گوشہ تک و تهها ایستاده استی، بیا تو پ
 بازی کنیم. اسد جواب داد و علیک السلام، شریفان
 من تو پ بازی یاد ندارم. شریف گفت ما هم در اول
 یاد نداشتیم، ولی آهسته، آهسته تمدن
 گردیم و یاد گرفتیم. اگر تو هم تو پ بازی را شروع کنی خواه
 یاد میگیری. اسد به میدان تو پ بازی آمد، و شریف
 با صدای بلند گفت:

برادرهای محترم! اینست دوست نوما اسد، بیا بیتا او را تو پ
 بازی یاد بدهیم.





وطن نا افغانستان و دین مردم ما اسلام است،
ما یه مسلمانیم . دین اسلام بھترین دین ہا است
زیرا کہ حضرت محمد (صلی اللہ علیہ وسلم) بہ مردم چیزیں فرمودا است:
«من تمام خوبی ہا می دنیا و آخرت را برائی شما آورده ام ،
خداوند مرا امر کرده است ، تا مردم جهان را به دین

اسلام دعوت نمائیم»، دین اسلام از پیغمبر اسلام
 برای ما میراث مانده است. نیا کان ما دین اسلام
 را پذیرفته و از آن نگهبانی کرده‌اند. ناکه مانند آنها
 نیز مسلمانیم، و دین اسلام را با دل و جان دوست
 داریم، از آن نگهبانی می‌کنیم و دشمنان را فرصت
 نمی‌دهیم که بر دین و وطن استلزمی مابتازند.

این جدرا چند بار بنویسید:

دشمنان را فرصت نمی‌دهیم که بر دین و وطن اسلامی مابتازند.

۱- فرا خواندن ۲- چکی داری و حافظت ۳- تجاوز کردن.



لطفه

شخصی در نیم شب از خواب بیدار شد. وید که در گوشش حیلی
خانه اش وزوی ایستاده و از جایش شور نمی خورد. زن
خود را صدرا کرد و گفت تیر و کمان مرا بیار که وزد
است. زنش تیر و کمان را آورد و به شوهرش داد،
شوهرش وزد را تیرباران نمود، و گفت حالاتاً صح با

۱- مید داش آهنی که تو سطح کمان بظرف دشمن یا شکار پرتاب میشود.

۲- چوب کجی که تو سطح آن تیر اندازی میشود.

او کاری ندارم، چون صحیح شد و به سراغ دزد آمد وید
که لباس خودش را که بر روی دیوار در میخ آویزان
بود تیرباران کرده است. گفت خدا را شکراست،
که خودم در این لباس نبودم، ورنه تیرباران میشم.

پادواشت :

مسلم صاحب نمونه‌ئی تیر و کمان را ز چوب برای شاگردان
تنهیه کند.

- دنبال، در پی

کتاب خوب

دانادخوشنام
با آنکه بی زبانم
من یار پند دانم
باسودوبی زیانم
من یار مھبہ بانم

من یار مھبہ بانم
کویم شخن فراون
پندت دهم فراون
من دوست هنرمند
از من مبایش غافل

(عباس علی‌نی تیرف)

تمرين

محترم معلم صاحب تمرين های ذيل را به شاگردان بدهند.

- ۱- شما کدام کتابها را در صرف دوم میخوانید ؟
- ۲- کدام کتاب را بسیار خوش دارید ؟
- ۳- آیا بدون کتابهای مکتب دیگر کتابها در خانه میخوانید ؟
- ۴- شما در خانه چه قسم کتابها دارید ؟
- ۵- بسیار - بصیرت - فایده - ضرر - بی خبر

عید فطر

او آخر ماه مبارک رمضان بود، هر کس میگفت عید فطر نزدیک است. کسی لباس نو میخرید و کسی لباس کهنه را زنگ میداد که نو معلوم شود. پدر شکور از شکور پر سید، کدام نوع لباس را میپندی که برای عید فطر داشته باشی؟

شکور آهی گشید و گفت: پدر جان لباس کهنه خود را پا گیره میشویم تا در نماز عید شرکت ننم. ولی لباس نو دلم نمیخواهد. پدر شکور گفت چرا؟ شکور گفت: پدر جان: چون رو سهها، این دشمنان دین و وطن ما بر میخن ما تجاوز کرده اند، و ما را به ترک نمودن و طعن

۱- قسم ۲ - وطن

محجور ساخته اند که مصا جر و آواره شده ایم
 شب و روز چندین لفڑاز هموطنان ما در اثر مباری
 روس های ظالم شهیدی شوند. پس دلم نمی خواهد که
 لباس نو داشته باشم. عید حقیقی ما وقتی خواهد بود
 که وطن ما از دست بیکانگان نجات یابد، و دین.
 اسلام در آنجا حاکم گردد. همان وقت برای ما عید است

ولباس نو خواهیم پوشید.

پدر شکور آهی کشید و گفت راست میگوئی پسر عزیزم.

- تمرين : ۱- نغات ذیل را چند دفعه در کتابچه ی خود بنویسید :
- لباس ، عید فطر ، رنگ ، همچاره آواره ، ظالم ، رو سهایی ظالم ، آهی کشید ، ما مکنند ، پاکیزه
- ۲- مسلم صاحب حرم شاگردان را پیشنهاد گردد پ تقسیم کنند و در هر گروه پ یک شاگرد را
 مؤلف سازد که نغات ذیل را به گروه خود بخواند و شاگردان گروه پ آنها را بنویسند.
 بعد از آن شاگردان همان گروه غلطی های خودشان را دسته جمعی اصلاح کنند.

۱- خانه بدش ۲- جانب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ط

بِنَامِ خَلَوَنَدِ بَخْشَانَيْنَه وَهِرَانَ

اللّٰهُ

(جل جلاله)

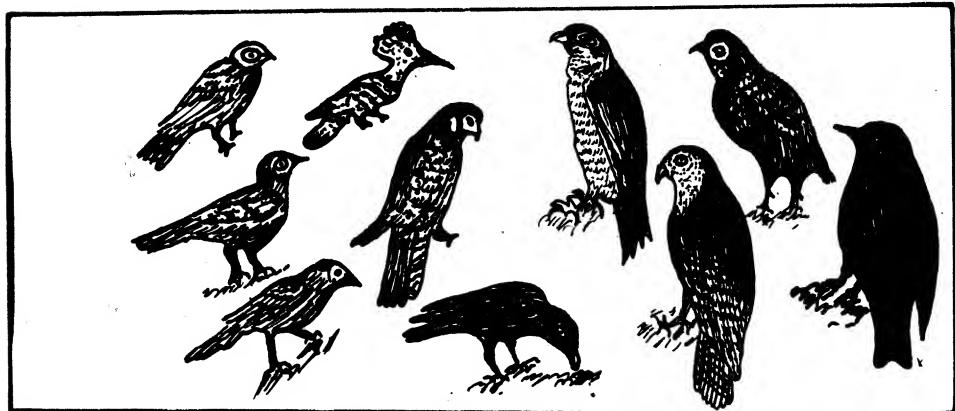
خداوند^(ج) یکی است، شریکی ندارد، و به هیچ کسی محتاج نیست.

زمین، آسمان، کوه ها، ستارگان، حیوانات، بناهای،
باود، باران، انسانان، چنیا^(۳) و تمامی موجودات را خداوند^(ج)
افزیده است. ما را نیز خداوند^(ج) هست کرده است.
خداوند روزی و هنده ^(۴) تما مم موجود آن زنده است. روزی
رسان مانیز خدا^(ج) است. تمامی موجودات زمین و آسمان
صفت و شناختی خداوند را میگویند پس بر مانیز لازم است

۱- خداوند ۲- زنده سر ۳- گیا کاد و درختهای ۴- پیدا کرده است

پرندگان صحراوی

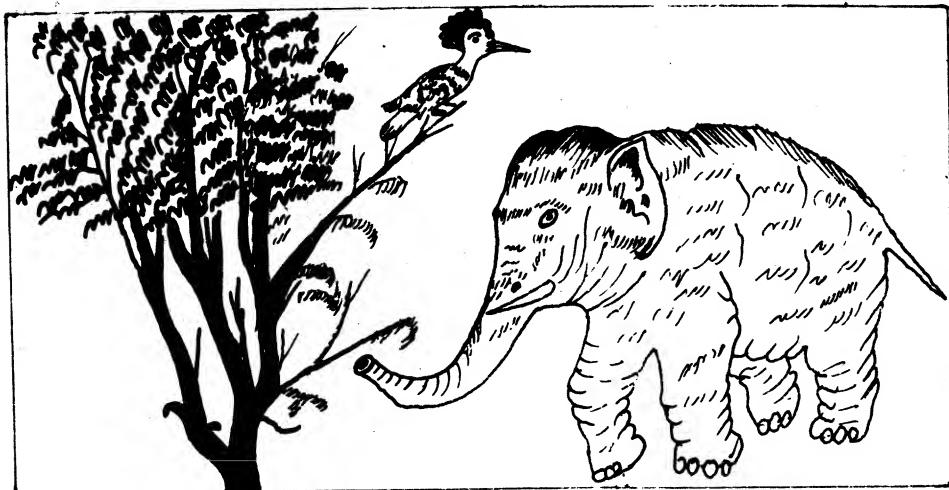
گرد هی از پرندگان در صحراوی زندگی میکردند. در تزدیکی آنجا فیل نیز سکونت داشت. یک روز فیل از راهی میگذشت که پرندگان صحراوی در آن صحرا آشیانه داشتند. آشیانه چند پرنده زیر پای فیل لگد مال و خراب شد و چه های پرندگان نیز کشته شدند. پرندگان بگردید هم جمع شدند و مشورت کردند که چه باید کرد؟



هُدْهُد که پرندۀ ہوشیاری بود، رو به دیگران کرد و
گفت عزیزان! این سحر اوطن ما شما است. دشمن
ظالم آمد و خانه ہای مارا خراب کرد. چوچ ہای مارکشت.
باید سعی کنیم تا دشمن ظالم را از وطن خود بسروں کنیم که در
آینده از شر آن در امان باشیم. پرندگان پهبايك
صد اگفته درست است که نگهداری وطن و دفاع از
خانه و کاشانه بر ما لازم است، ولی چطور میتوانیم باقیل
قوی وکلان مقابله کنیم؟

هُدْهُد گفت و قیک یک دست و یک مشت باشیم
هر کاری از دست ما شماشد فی است.
پرندگان گفت، بسیار خوب نبود تر بگوچ کار کنیم تا
دشمن ظالم را نابود نمایم.

هدید گفت اولاً فیل را می‌کویم که آمدنست ازین راه غلط است زیرا چوچه
 های مارا کشته باشد در آینده ازین راه رفت و آمد نکنی.
 اگر قبول کرد، بسیار خوب اگر قبول نکرد برای مقابل اش
 آماده باشید. گفته شد کاملاً درست است. هدید پرید و به
 سراغ فیل رفت، فیل را یافت، و بر شاخ درختی
 نشست و به فیل گفت، تو که از راه لانه های پرندگان
 رفته لانه های مارا خراب ساختی و چوچه های مارا کشته.
 در آینده،



اجازه نمیدهیم که ازین راه بروی. فیل گفت مجیب
است. پرندگان با این ضعیضی به یک فیل قوی و کلان
اجازه راه رفتن نمی دهد. بر و گم شوا! آماوه باش که همین
حالا می آیم، هرچه میتوانی مکن.

مدهد پیش پرندگان آمد و گفت: دوستان آماوه باشید،
فیل می آید باید به او نشان بدیم که ظالم کامیاب نیشود.
پرندگان گفتند آماوه هستیم بگوچه کار کنیم؟

مدهد گفت: این گودال را می بینید؟ گفتند بلی
گفت با هم می پریم و بر لب گودال می ششینیم، فیل
آن جامی آید و قتیله فیل رسید شما را می گوییم که چه کار
کنید. تمام پرندگان بر لب گودال جمع شدند. دیدند
که فیل خشیگین به تندی می آمد، و هر طرف میدوید.

و قتیلکه پرندگان را دید، قصد داشت برآنها حمل کند
پرندگان با صدای بلندی فریاد زد و گفت بپرید، و هر دو
چشم فیل را بکشید.

پرندگان پریدند، و با نعل های تیز شان هردو پشم
فیل را کور کردند.
فیل فریاد می زد، و سرگردان هر طرف می دوید که



ناگهان در گودال افتاد، هر چند کوشش و تلاش
کرد نتوانست که از گودال بیرون آید.
پرندگان خوش و خنده‌ان شادی می‌کردند، و نتیجه اتفاق دو
همبستگی را دیدند و کامیاب شدند و با هم می‌گفتند: این
سزای ظالم است که بالآخره در گودال می‌افتد.



تمرين

۱ - شاگردان عزیز شما پرنده ها را دیده اید ؟

۲ - کدام پرنده های می شناسید ؟

۳ - آیا شما آشیانه پرنده ها را دیده اید ؟

۴ - پرنده ها چه وقت چوچ میکشند ؟

۵ - پرنده ها چه فوایدی دارو ؟

جلات ذیل را تکمیل کنید :

گوهری از در صحراي زندگی میگردد.

روزی از راهی میگذرد شست کر صحراي در آنجا

آشیانه داشتند. این سرای ظالم است که بالآخره در

میافتد.

عینک فروش و خردar

شخصی کی را دید که در وقت خواندن کتاب یا خطی
برچشم خود عینک میگذارد با خود فکر کرد، اگر هر کسی عینک
بگذارد خط هم خوانده میتواند.

به عینک فروشی رفت و از عینک فروش خواست
ب او عینک بدید، هر قسم عینک که برچشم
گذاشت، خوانده نتوانست.



به عینک فروش گفت میخواهم عینکی را بخرم که با آن خواه
 بتوانم عینک فروش از وی پر سید آیا گاهی به مدرسه
 رفته اید؟ گفت نه. گفت خواننده هستید؟ گفت
 اگر خواننده می بودم لپس چرا عینک می ضریدم.

- ۱- محترم مسلم صاحب مثل قصه فوق حکایت نای دیگر
 ابرای شاگردان خود بگوید.
- ۲- مطلب خلاصه این حکایت چیست؟
- ۳- نات ذیل از چند حروف تشکیل شده اند:
 عینک چشم مدرسه
 گفت
- ۴- مسلم صاحب راجع به استعمال عینک به شاگردان توضیحات

بد

مکتوب پکه افغان بپکه کو دکان جهان

مرا بشناسید. من افغان استم. وطنم افغانستان و
دین من اسلام است. شما ای کو دکان جهان اکنون
در وطن خود سکونت دارید، در خانه خود باید و مادرخویش
زندگی میکنید. لیکن من با دیگر هموطنانم از طلاق و تجاوز ظالمان
دنیا، از دست روس ها به ترک گفتن وطن خود محصور شدم، و به
کشور های همسایه پاکستان و ایران مصادر شده
ام. بی رحمی روس ها آنقدر زیاد است که هموطنان مرا
زندانی نموده و شهید ساختند. طیارات روسی خانه و کاشان
مارا بمباران میکنند چرا؟

زیرا که مسلمان استم و کفر را قبول ندارم و آزادی
خود را میخواهیم. تازمانیکه خون در رگ ما است

که شاخوان اللہ باشیم و عبادت خداوند را بکنم .

۱- جملات ذیل را تکمیل کنید :

الف - خداوند () است ، شریک

ب- زمین ، آسمان ، کوه ها حیوانات ، نباتات ،
باران و تمامی را خداوند () است

۲- کلمات ذیل از چند صرف تشکیل شده اند :

خداوند : خ ، د زمین نباتات

..... ، باد ..

۱- مختصر کننده

در مقابل روس با جهاد مسکن میدانیم که خارج با
 ما حکم میکند وطن ما را از شرکهار نگه میدارد و قتنک
 وطن ما آزاد شد و مانند شما در وطن خود زندگی شروع کردیم
 از شما خواهیم پرسید که در وقت تجاوز روسها بر افغانستان
 شما چه کردید؟

قوم من افغان است دین من اسلام است
 ول پر از ایمان است آئین من قرآن است

تمرين

- ۱ - آیا از فامیل شاکسی سعی جرشه است؟
- ۲ - سعی جرکیست؟
- ۳ - مجرت چه فراده دارد؟
- ۴ - اقانهای چرا به پاکستان و ایران مسیح جرشه اند؟
- ۵ - درین صنف خانه کدام شاگرد بمباری شده است؟

لطفه

روزی یک نفر تخم مرغی را در مشت خود پنهان کرد
واز دوستش پرسید، اگر گفته که در دستنم چیز
آنرا بتومیدم که خالکینه کرده بخوری.
دوستش گفت کمی نشانی آنرا بگو؟
آن نفر گفت: نشانی آن ایشست که گرد آگوش سفید و
داخل آن زرد رنگ است.
دوستش گفت «حالا فرمیدم. این شلنگی است که درون
آن خالی شده و در آن زردک کاشته اند.

تمرين

- ۱- محstem معلم صاحب للهينه های دیگر را به شاگردان بگوئيد ؟
- ۲- آیا در منطقه شما زردک و شلنگ کاشته میشود ؟
- ۳- کدام نباتات در منطقه شاکست میشود ؟
- ۴- کاشتن نباتات چه فااید وارد ؟
- ۵- خالکینه چه نوع خواراگ ایشت و از چه ساخته میشود ؟

احترام پدر و مادر

پدر و مادر سبب پیدا شدن ما هستند. خداوند رح، مارا از پدر و مادر بوجود آورده است. کسانیکه احترام و عزت پدر و مادر خود را میکنند خداوند رح برای شان پاداش نیک میدهد.

شاگردان مدرسه به گفته های نیک پدر و مادرشان گوش میدهند. پدر و مادر اولین تربیه دهنده‌گان باشند، ایشان مارا راه راست نشان میدهند و از کارهای نادرست و غیر اسلامی مارا منع میکنند. بچه ها و دخترهای خوب امر پدر و مادر خود را قبول میکنند. تا وقتیکه پدر و مادرشان زنده باشند در خدمت آنها بسرمیزند.

۱- ثواب، اجر

پیامبر اسلام کسانی را که خدمت پدر و مادر خود را
می‌یادند، دوست و اشت.
خداوند ارج اثیر در قرآن کریم چنین فرموده است:
خدا را پرسید تا چه وبا پدر و مادر خود نیکی کنید.

تمرين

- ۱- از شاگردان عتیر پدر و مادر کی فوت شده است؟
- ۲- پدر و مادر کی زنده است؟
- ۳- پدر شما چند ساله خواهد بود؟
- ۴- خدا و پیامبرش در باره حقوق پدر و مادر چه فرموده است؟
- ۵- آیا شما پدر و مادر خود را دوست دارید؟

۱- عبادت کنید.

علم

آموختن علم بر مسلمان فرض است .
 با آموختن علم خوشنودا نمیشیم ، و از احکام خدا خبر میشیم .
 معرفت حاصل کن ای جان پدر
 تابیا بی از خدای خود خبر
 علم انسان را قوت می بخشد و نامش را تما
 ابدز نده نگه میدارد .
 ز دانش دل پیر بُنا بود .
 تو نا بود هر که دانا بود .

۱- اوصار ۲- ذنانی ۳- همیش ۴- علم ۵- جوان

غمزین

۱- علم چه فایده دارد ؟
 ۲- عالم کی را گوید ؟
 ۳- اسم کدام عالم را میشناسید ؟
 ۴- این بیت را چند بار بخویسید :

تو نا بود هر که دانا بود * ز دانش دل پیر بُنا بود .



لطفة

یک شخص "مریض" به داکتر رفت و گفت شکم من درد میکند
داکتر از اوی پرسید چه خورده ای ؟
مریض گفت نان سوخته خورده ام .
داکتر گفت برو اول چشم خود را تداوی کن ، باز
پیش من بیا .

تهرین

- ۱- لغات ذیل را چند دفعه درگفت بچه های خود بخویسید :
لطیفه ، ماریض ، داکتر ، نان ، تداوی ، من
- ۲- شاگردان عزیز آمیاشما کدام وقت ماریض شده اید ؟
- ۳- چه نوع ماریضی داشتید ؟
- ۴- از لطیفه فوق چه فهمیدید ؟

亨جرت

وقتیکه دشمنان دین و وطن پریک ملک اسلامی
تباوز کشند. و مردم مسلمان نتوانند که مراسم دینی
خواش را آزادانه انجام دهند و مسلمانان از لحاظ ظلم و آزار
دشمنان دین و وطن محبور شوند که خانه وطن
خود را ترک کویند تا بتوانند مراسم دینی خود را آزادانه انجام
دهند و برای آزادی وطن خود آمادگی بگیرند، و در مقابل
دشمنان دین و وطن جهاد کشند.

این قسم ترک وطن را هجرت میگویند، هجرت و طلاق دینی هر مسلمان و
پسر وی از پیامبر خداونج است. زیرا وقتیکه پیامبر اسلام
از آزار کفار مکه مغضوب شستوه آمده بودند به اصر خداوند متحال
به مدینه منوره هجرت کردند. مردم افغانستان که مسلمان

و پیرو و پیامبر خدا اج اهستند در اثر ظلم و تجاوز
رو سپاه هجرت کرده اند.

تمرين

- ۱- لغات ذيل را در جملات استعمال نمائيد ؟
هجرت، وظيفه، وشمنان جهاد، پیروی، پیامبر، اسلام
- ۲- شهرهای مک معظمه و مدینه متوره کجا واقع اند ؟
- ۳- هجرت چه راسیگویند ؟

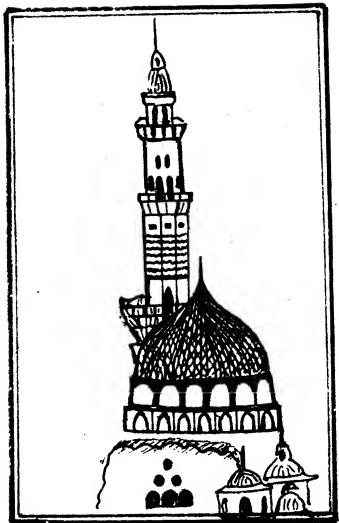


سال

یک سال چهار فصل است. بهار، تابستان
خران و زمستان.

بهار اولین فصل سال است فصل بهار سه
ماه است جل، ثور، گوزا در فصل بهار هوا خوب
میشود و پاد نرم میوزد هر طرف سبز و خرم دیده میشود.
دشت ها و کوه ها، باغ ها و کشتزار های همچه پر از گل

پیامبر (صلی اللہ علیہ وسلم)



حضرت محمد (صلی اللہ علیہ وسلم) رسول و پیامبر خدا است. ما ایمان داریم که خدایکی است، ایمان داریم که حضرت محمد (ص) پیامبر خدا و رہنمای مردم است. نام پدر حضرت محمد (ص) عبد اللہ و نام مادرش بی بی آمنه بود. پدرش دو ماہ پیش از پیدا شدنش وفات شد. وقتیکه به عمر شش سالگی رسید مادرش هم وفات شد و پیامبر خداییم ماند.

۱- فرستاده شده ۲- باور ۳- نشان دهنده راه

میشود. هر کس باتازگی زمین مسرور دیده میشود. بهار
موسم کار است، هر کس کار میکند، و همانان به
کشاورزها میروند. و به کشت وزراعت می پردازند
با غبانان نصال شانی میکنند، بچه ها به مدرسه میرند،
چوپان های رمه های گوسفند، گله های اسب، پادشاهی گاو و غیره
را در پر اکا میچپانند و فصل بهار هر چیز زندگی نوینی را آغاز
میکنند.

ولی یک افغان ممکن اجاز روزگار تلخ زندگی نمیدارد که
بسیار است. زیرا اگرچه تمام دنیا سبز و خرم و پر
از گل است اما در ذهن او گرد و غبار بمباران طیارا
روسی نقش بسته است و در گوشش صدای میکوپتر
و طیارات بم افگان زمزمه میکند.

تمرين

- ۱- يك سال چند فصل است ؟
 - ۲- فصل بهار چند ماه است ؟
 - ۳- يك افغان ممح جر چرانې داند که بهار است ؟
 - ۴- طيارات روسی در افغانستان چې میکنند ؟
- اين جمله را چند بار بخوسييد :
- افغان ممح جراز روزگار تلخ زندگي نمیداند که بهار است.



تابستان

تابستان دو مین فصل سال است که بعد از بهار
می آید، فصل تابستان نیز سه ماه است سرطان
اسد و سنبله.

و فصل تابستان حرارت آفتاب بیشتر میگردد
و هوا گرم میشود. مردم کوچی ها چاهای سرد میروند
گیلان سبز بسیار به سبب شدت گرمی و کمبود

آب دردشت و صحرارو به خشکی میگذارند. و سبزه های خود رو به رنگ زرد دیده میشوند، و هنگامان کشت خود را درو میگستند و حاصلات آنرا بخانه میبرند.
اقستان که یک کشور زراعتی است پیدا و ارمهم تابستانی آن گندم و جو است.

میوه های تابستانی از قبیل خربوزه، تربوز، انگور سیب، زردالو، شفتالو، توت، انار، آنچه روغیره نیز در فصل تابستان حاصل میباشد.

چون میوه جات افغانستان خوش منزه و شرین میباشد ازین سبب شهرت جهانی دارد. با وجود اینکه زیمن های زراعتی در اثر بمب ارanch شدید طیارات روسی اکثر آگاه شده نمیشوند و درخت های میوه دار باعضا

خشنک شده و حاصلات کم میدهند ولی باز هم مردم
ملت قهرمان افغانستان در مسنا طق آزاد بزرگ
و کشت و کار مشغول میباشند.

تمرين

- ۱ - در فصل تابستان ہوا چطور میباشد؟
- ۲ - پیداوار زراعتی فصل تابستان در افغانستان چیست؟
- ۳ - سه ماہ فصل تابستان را نام ببرید؟
- ۴ - میوه جات افغانستان چرا شہرت جهانی دارد؟



خران

سویں فصل سال خزان است . خزان هشتم ماه است .
میزان عقرب ، قوس .

در فصل خزان باد های تند و خشک می وزد برگ های
درختان زرد می شونو می ریند . هر کس کوشش می کند
تا برای روز های سرد زستان به جمع آوری توشه
بپردازد ، نیز اکه خزان خبر سان زستان است

در بعضی مناطق افغانستان حاصلات زراعتی از
قیل : چواری، برجی، نیشکر، پنبه، انگور، انار وغیره
در خزان گرفته میشود.

تمرين

- ۱ - در کدام فصل سال برگهای درختان می ریزد ؟
- ۲ - خزان چندین فصل سال است ؟

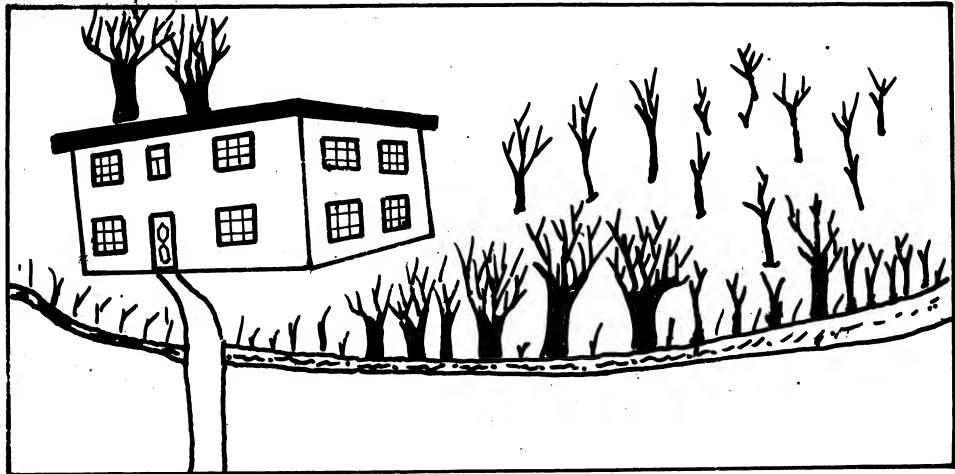
۳ - در فصل خزان حاصلات زراعتی بعضی مناطق افغانستان چیزی ؟

۴ - جایی خالی جلات ذیل را پر نمایید:

سویں فصل سال است .

خزان زمستان است .

در فصل خزان باد های و می وزد .



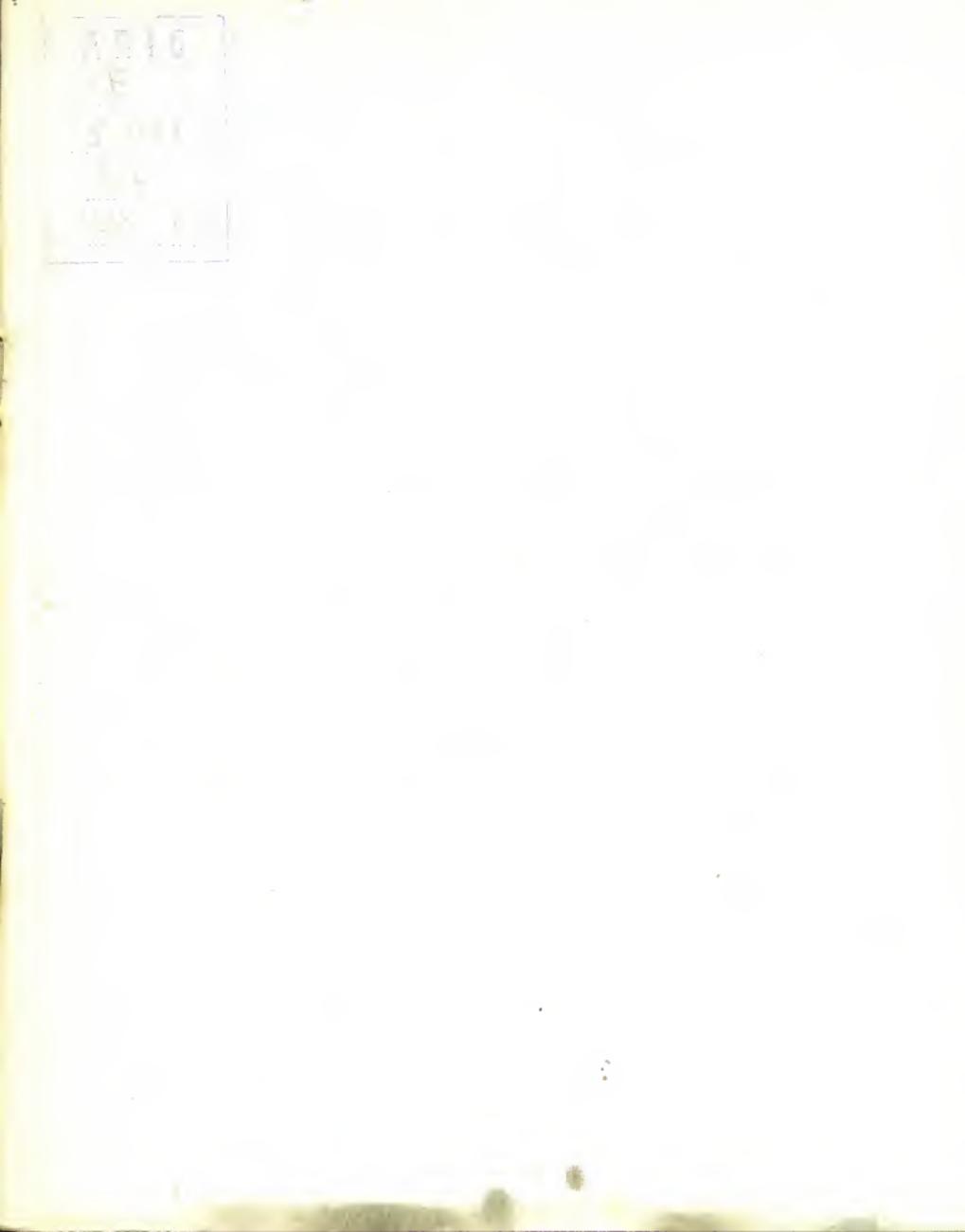
زمستان

چهارمین فصل سال زمستان است. بسی ماہ زمستان
عبارت انداز جدی، دلو، هوت.

در فصل زمستان در اکثر مناطق افغانستان هوا
سرمهیشود و در بعضی جاهاي افغانستان برف و باران

مي بارد ..

هر س برای پوشش پشمی و خوارک بهتر ضرورت



دارد مردم افغانستان زراعت پیشه بوده و در پوشش
حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو، شتر، اسب و غیره
نیز مصارف دارند از پشم حیوانات لباس های
پشمی، قالین، گلیم و غیره می باشد و از گوشت آنها نیز
استفاده میکنند.

لباس های پشمی و گوشت گوسفند و دیگر حیوانات در
هوای سرد زمستان با مردم افغانستان بسیار حکم میکند.

تمرين

۱ - آخرین فصل سال کدام است ؟

۲ - کدام مناطق افغانستان در فصل زمستان بسیار سرد است ؟

۳ - لباس پشمی گرم است یا سخت و سردی ؟

۴ - جلات ذیل را تکمیل نمایید :

سه ماہ زمستان عبارت اند از

در بعضی جا های افغانستان و می بارد.

بعد از زمستان فصل می آید .

پرورش اور اپدر کلانش عبدالمطلب بردوش گرفت، آنحضرت ص
پیشتر سالہ بود کہ پدر کلانش نیز وفات نمود لیکن
کاکایش ابوطالب زنده بود و پرورش آنحضرت را به عہد گرفت.
حضرت محمد ﷺ در سن چهل سالگی از طرف خداونج پیامبر شد،
و مردم دنیا را به اسلام دعوت نمود. حضرت محمد ﷺ در سن
شصت و سه، ۶۳ هجری وفات و در مدینه منوره دفن شد.

عنین

- ۱- پیامبر اچ نام دارد؟
- ۲- آیا شما کا کا دارید؟
- ۳- مطلب از ایمان آور پیامبر است؟ جلدیں را چند بار بنویسید:
- ۴- پدر و مادر آنحضرت ﷺ چه نام داشتند؟ حضرت محمد پیامبر خدا و زنگنه ای مردم است
- ۵- آنحضرت ﷺ چه بود؟

۱- ذمه ۲- فراخانہ

قرآن شرف

قرآن شرف کلام خدا است خداوند قرآن را بر پیامبرش
 حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم نازل کرد، پیامبر خدا آنرا به مردم دنیا ابلاغ نمود.
 کسانیکه سعادت و اشتهید قرآن را قبول کردند مسلمان شدند،
 بر خدا، کلام خدا و پیامبرش ایمان آوردند و سعادت دنیا و آخرت
 نصیب شان گردید. کسانیکه بدینجنت بودند از کلام خدا و
 پیروی رسول خدا تسریب از زندگی دنیا شرمنده، و در آخرت به
 حساب شدند، که در زندگی دنیا شرمنده، و در آخرت به
 عذاب خدا گرفتار استند.

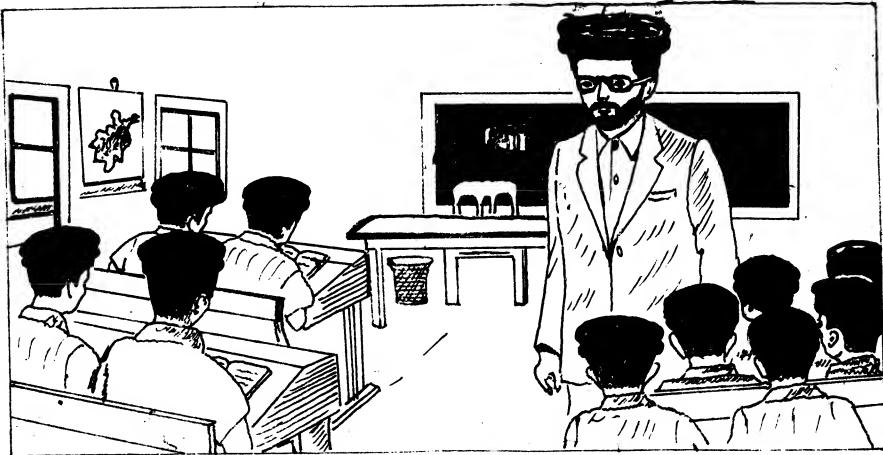
۱- بیک بختی

نفات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید:

۱- سعادت ۲- دنیا ۳- آخرت ۴- شرمنده ۵- کافر

تمرين

- ۱- قرآن شریف کلام و سخن کیت ؟
- ۲ آیا کافران قرآن شریف را قبول دارند ؟
- ۳ شما قرآن شریف را میخواهید ؟
- ۴ شما چه وقت و ہمرا چکسی قرآن شریف میخواهید ؟
- ۵ در فاسیل شما کی قرآن شریف می خواند ؟



شاگردان و صنف دوم

سه ماه رختی گذشت. شاگردان صنف اول امسال در صنف دوم می نشینند. خوش و خندان استقند که هم‌صنفان یکدیگر را در صنف بالاتر می بینند، عجله میکنند تا معلم نوبه صنف ایشان بیاید. معلم نومی آید، و شاگردان صنف برای احترام معلم ایستاده میشوند، معلم نو ما اشاره دست آنها را میگوید. بنده شنیده بچه های خوب! شاگردان

می نشیتد و به کفته های مسلم گوش میگیرند.

مسلم نوبه شاگردان میگوید:

خسته نباشد! خدا کند از روز های رختی استفاده
کرده باشد، و روز های رختی را به خوشی گذرانده باشد.
شاگردان با یک صد ا، در جواب مسلم میگویند. زنده
باشد استاد!

در روز های رختی خستگی مارفع شده است زیرا که تفریح
طولانی داشتیم و اکنون برا ی فراغ فتن دروس جدید آماده
بیستیم.

تمدن

لنا ت ذیل را چند و فده بنویسد.

شاگردان، صفت دوم، معلم، بچه های حب، رختی، جواب، استاد، آماده.

به صنف دوم خوش آمدید

شگرداں عزیز به صنف دوم خوش آمدید!

امسال کہ شما تاریخ صنف دوم می بینم تباخ خوش ہستم.

از چھڑھٹے ماہی شما معلوم می شود کہ شما نیز خوش ہستید.

زیرا کہ سال گذشتہ سٹی وکو شش کردید، دروس

خود را خواندید و در امتحانات صنف اول کامیاب شدید.

امیدوارم در صنف دوم تیر دروس روزمرہ تان را

بخواهید، و آنرا مشق و تمرين شاید، تا در سال آیندہ شما

را در صنف سوم بینیم.

۱- کوشش ۲- جمع درس

تمرين : ۱- لغات فوق را در جملات مناسب استعمال کنید؟
۲- کلام یکی از چھٹان شما امسال در صنف دوم ادل است؟

۳- او چرا اول نمود شد؟

۴- آیا امسال شما ہم کوشش میکنید کہ به صنف سوم ادل نمود کامیاب شوید؟



اقل... قرائت دری

برای صنف دوم



سال: ۱۳۶۵ هجری

قرأت

دری



برای صفت دوم

سال ۱۳۶۵-هرش

مؤلف:

خالد "کاپیسانی"

اعضاء مشورتی:

باطن شاه "صفی" و روزه گل "وحدتی"